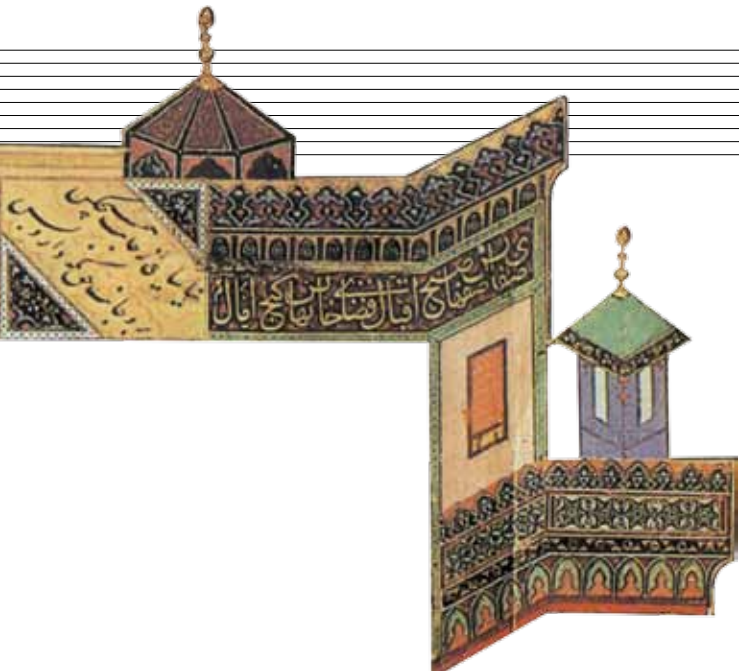


# مَثَل‌های حق

نگاهی به کاربرد تمثیل در قرآن کریم

دکتر حمید محمدقاسمی

استفاده از زبان تمثیل در قرآن به دلیل رنگ آمیزی مفاهیم و تجسم بخشیدن به پیام‌ها، علاوه بر کمک به فهم درست آن‌ها، ماندگاری‌شان را تضمین کرده است. تأمل در این ویژگی می‌تواند سرلوحه‌ای باشد برای تأثیر بیشتر معلم بر دانش آموز.



مردم رواج یافته و آنگاه در وقایع مشابه آن به کار رود، دلالت ندارد، بلکه این مثال‌ها بدون پیروی از سخنان مردم و بی‌آنکه از موارد پیش از خود تبعیت کرده باشد، خود طرحی نو در انداخته و تعبیری جدید و حکیمانه ابتکار کرده است؛ به گونه‌ای که از نظر تعبیر و جمله‌بندی و دلالت، روشی منحصر به فرد به‌شمار می‌رود.

## مَثَل در سایر ادیان

همچنین بخش قابل توجهی از کتب آسمانی و شرایع الهی را تمثیلات نغزو حکیمانه‌ای تشکیل می‌دهد که بر زبان انبیاء الهی جاری گشته و بسیاری از آن‌ها تا به امروز روح‌های لطیف و حساس را همچون نسیمی روح‌پرور می‌نوازد.

تورات درباره حضرت سلیمان می‌گوید: خدا به حضرت سلیمان فهم و حکمت بی‌ظنیری بخشید و بصیرت او بی‌حد و حصر بود... سه هزار مَثَل گفت و هزار پنج سرود نوشت.

از مجموع ۳۹ کتاب عهد قدیم (تورات)، یک کتاب آن «امثال» نامیده شده که در بردارنده تمثیلات و حکمت‌های اخلاقی و مذهبی فراوانی است و گفته شده بیشتر قسمت‌های آن را حضرت سلیمان خود به رشته تحریر درآورده است. بخش عمده‌ای از این کتاب از کارهای شخص دانا و حکیم سخن می‌گوید و آن را با کارهای شخص نادان و احمق مقایسه می‌کند و با بهره‌گیری از مقایسه، واقعیت‌های زندگی روزانه را جلوه‌گر می‌سازد.

در آغاز کتاب امثال چنین آمده است:

... این مثال‌ها به شما کمک خواهند کرد تا حکمت و ادب را بیاموزید و بتوانید معنی سخنان پرمغز را درک کنید. آن‌ها به شما یاد خواهند داد که چگونه رفتار عادلانه داشته باشید و با عدالت و انصاف عمل کنید. این مثال‌ها به جاهلان حکمت می‌بخشند و به جوانان فهم و بصیرت ...

در عهد جدید (انجیل) نیز تمثیلات بسیاری از حضرت مسیح نقل گردیده است، به گونه‌ای که



حکایت، افسانه، ۳. صفت و وصف؛ ۴. عبرت و پند و اندرز؛ ۵. الگو و اسوه که جمع آن «امثال» است.

در معانی اصطلاحی مَثَل نیز گفته‌اند:

۱. جمله‌ای است مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی لفظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار می‌برند.

۲. سخنان کوتاه و سودمند و دلنشینی که هر کدام از آن‌ها اندیشه‌ای ژرف و لطیف یا پندی نغز و ظریف در بر دارد و به سبب سادگی و روانی و عمق اندیشه طی روزگارن مقبولیت یافته و سرانجام در زبان خاص و عام جاری و ساری گشته و نام «مَثَل» به خود گرفته‌اند.

به این ترتیب، «امثال» به معنای اصطلاحی آن، با تمثیلات قرآنی چندان سازگار نیست، چرا که رکن اصلی مثال‌ها رواج آن‌ها در میان مردم است و این ویژگی لزوماً در خصوص تمثیلات قرآنی وجود ندارد. زیرا خداوند متعال پیش از آنکه پیامبرانش را به حقایق واقف سازد و مردم آن آیات را خوانده باشند و در زبان‌ها رواج یابد، از آن‌ها به عنوان «امثال» یاد کرده است، یعنی مثال‌های قرآنی بر یک واقعه مشخص یا امری خیالی که بر اثر تکرار در میان

قرآن کریم مرجع جاوید جهانیان است. چنان که می‌فرماید «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا». پس کتاب عالمیان لاجرم باید مفاهیم خود را طوری ارائه کند که گرد زمان بر دامش ننشینند و برای همه آدمیان تا روز قیامت قابل درک باشد. برای این منظور، بهترین زبانی که می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای توده مردم تبیین کند، زبان «تمثیل» است.

حق مثل‌ها را زنده هر جا به جاش  
می‌کند معقول را محسوس و فاش  
تا که دریابند مردم از مثل  
آنچه مقصود است بی‌نقص و خلل

از این رو قرآن کریم، با بهره‌مندی از انواع مثال‌های نغز و الهام‌بخش، فروغ تعلیم خود را از قید زمان رهایی بخشیده و مطالب خود را طوری بیان فرموده است که در تمامی اعصار برای همه آدمیان قابل فهم باشد.

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، شاید متذکر شوند [مر: ۲۷].

گر چه مثال‌های قرآن از نظر کمی محدود و محدود هستند، با این حال اگر در این کتاب آسمانی جز این تمثیلات گهربار مطالب دیگری یافت نمی‌شد، همین‌ها برای هدایت و تربیت نفوس بشری کافی بود. به همین دلیل، برخی محققان از مثال‌های قرآن با تعبیر «چراغ‌های قرآن» یاد کرده‌اند.

در تمثیلات قرآنی، شنونده تنها خود را با یک جلوه ادبی و هنری محض مواجه نمی‌بیند که فقط احساسات او را برانگیزد. بلکه در کنار این جنبه‌ها، اهداف تربیتی گوناگونی تعقیب می‌شود تا انسان را به صحنه عمل بکشاند و رفتار و نگرش او را متحول سازد.

## مَثَل چیست؟

در کتاب‌های لغت، معانی مختلفی برای مَثَل ذکر کرده‌اند، مانند: ۱. مانند و نظیر؛ ۲. داستان، قصه،



می‌توان عمده‌ی تعلیمات آن حضرت را تمثیلات نغز و حکایات دلپذیری دانست که در بردارنده‌ی دستورهای اخلاقی و تربیتی فراوانی است.

تمثیلات حضرت عیسی (ع) در عالم ادب، لطیف‌ترین اثری است که در انجیل باقی مانده و محققان، از مسیحیان متعصب گرفته تا منتقدان بی‌طرف، همه بر کمال لطافت آن اذعان دارند و پیرامون آن‌ها تحقیق کرده و شرح‌ها نوشته‌اند. نمونه‌هایی از این تمثیلات که در متون اسلامی نیز وارد شده‌اند، به شرح زیرند:

– چه سود دهد خانه‌ی تاریک را که چراغی بر بامش نهند و درونش پر هراس و تاریک باشد. همچنین شما به نور علمی که در دهان دارید بهره‌مند نشوید در صورتی که درون شما از آن هراسناک و بی‌بهره است.

### ویژگی‌های تمثیلات قرآنی

تمثیلات قرآنی موضوعی است که نمی‌توان به تمام جوانب و راز و رمزهای آن پی برد، چرا که کتاب حق تعالی چشمه‌ی فیاضی است که حقایق آن پایان‌ناپذیر و معدن ذیقیمی است که افکار محدود بشری به تمام جوانب و ذخایر بی‌بدیل آن راه ندارد. اما به مصداق این سخن که؛ آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، در این جا برخی ویژگی‌های تمثیلات قرآنی را مرور می‌کنیم:

### ۱. جامعیت و گستردگی

گستره‌ی تمثیلات قرآنی تمامی پهنه‌ی گیتی و مظاهر و جلوه‌های طبیعت و انواع و اقسام انسان‌ها را با نگرش‌های مختلف شامل می‌شود، به گونه‌ای که در مثل‌های قرآن از زمین و آسمان، بر و بحر، شجر و حجر، چمن و دمن، باغ و راغ، موافق و منافق، صالح و طالح، ابرار و اشرار، مؤمن و کافر، پشه، مگس، عنکبوت، گوسفند، آب، آتش، باد، خاک، سنگ، دریای موج، سراب، سوزن، پشم، چراغدان، رعد و برق و به طور کلی از مادیات و معنویات سخن به میان آمده است. از این نظر می‌توان قرآن را به نمایشگاهی تشبیه کرد که در آن از مظاهر طبیعت و جلوه‌های بیکران هستی نمونه‌های فراوانی در معرض دید آدمی قرار داده شده است.

علاوه بر تنوع پدیده‌ها، قرآن از تعبیر عامی بهره گرفته است که به یک محیط خاص محدود نمی‌شوند و از نظر دلالت برای همگان آشنا و قابل فهم هستند.

### ۲. سهولت و قابل فهم بودن

قرآن کریم برای تنزل در این عالم به زبان خاصی نیاز دارد که همان عربی فصیح و مبین است، ولی

زبان و فرهنگ آن، همان زبان و فرهنگ فطرت است تا همگان آن را بفهمند. خدای سبحان قرآن کریم را یادآوری آسان معرفی می‌کند: **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مَدَّكَ أَقْمَرُ: ۱۷.**

آسانی قرآن به دلیل آشنایی بیان آن با دل و جان انسان است، نه آنکه کتابی سبک و کم‌مایه باشد. چنانکه فرمود: **أَنَا سَلَقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا [مزمّل: ۵].**

بعضی تمثیل‌های قرآن به قدری عامیانه و ساده است که هر فرد معمولی به راحتی پیام آن را دریافت می‌کند. مانند تشبیه احتمال ورود کافران به بهشت، به عبور شتر (یا طناب ضخیم) از سوراخ سوزن و تشبیه بدگویی از دیگران در غیابشان به خوردن گوشت برادر مُرده و تشبیه کسی که به علم خویش عمل نمی‌کند به الاغی که کتاب‌هایی حمل می‌کند و به محتوای آن‌ها در عمل بی‌توجه است.

### ۳. حیات‌بخشیدن به الفاظ

جالب توجه است که در بسیاری از آیات قرآن – و از جمله در تمثیلات قرآنی – برای مجسم کردن موضوع و تأکید بر صدق خبر، از تعبیر «آلم تر»؛ «آیا ندیدی» استفاده شده است. همچنین، قرآن کریم صحنه‌ها و چشم‌اندازهای بدیعی را با مناسب‌ترین واژه‌ها ترسیم نموده، به گونه‌ای که آدم به جای آنکه شنونده‌ی لفاظی چند باشد، خود را مشاهده‌کننده‌ی تصاویری زنده و پویا احساس می‌کند. به طور مثال، وقتی می‌خواهد بی‌ریزشگی و ناپایداری آن کس را که برای خدا شریک قرار می‌دهد به نمایش در آورد، آن را این گونه به تصویر می‌کشد: هر کس همتایی برای خدا قرار دهد گویی از آسمان سقوط کرده و پرنسده‌گان (در میان هوا) او را می‌ریزند و یا تندباد او را به جای دورستی پرتاب می‌کند.

### ۴. استفاده از مظاهر و پدیده‌های طبیعی

اولین چیزی که در خصوص تمثیلات قرآنی جلب توجه می‌کند آن است که قرآن تشبیهات خود را از طبیعت اخذ کرده و این رمز دیگری است از رموز جاودانگی قرآن. از این رو تا طبیعت باقی است، قرآن باقی است. به طور مثال، برای نشان دادن ناپایداری دنیا می‌فرماید: زندگی دنیا را برای

آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و به وسیله آن گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم می‌رود. اما بعد از مدتی می‌خشکد و باد آن را به هر سو پراکنده می‌کند [کهف: ۲۵].

### ۵. انطباق با واقعیت

تمامی مثال‌های قرآن با واقعیت‌های زندگی انسان در آمیخته است و با حقایق ملموس پیرامون او ارتباط تنگاتنگ دارد و از اموری که شاید به ندرت در زندگی انسان تحقق می‌یابد یا مختص محیط‌های محدود و دور افتاده است، خالی و مبرا است.

### ۶. هماهنگی با محیط

نزول آیات قرآن، هیچ‌گاه در خلأ و بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی آن‌ها نبوده است. تا جایی که در اغلب مثال‌های مکی، ویژگی‌های بارز شهر مکه و در اغلب مثال‌های مدنی ویژگی‌های بارز محیط مدینه بروز و ظهور آشکاری دارد. برای نمونه، نقل شده است که بت پرستان قریش ۳۶۰ بت را با مشک و عنبر و زعفران آراسته بودند، ولی مگس‌ها بر آن‌ها می‌نشستند و زعفران و مشک را می‌ربودند! قرآن کریم از توصیف این صحنه برای بیان ضعف و ناتوانی بت‌ها استفاده می‌کند و می‌فرماید:

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست‌به‌دست هم دهند! و هرگاه مگسی چیزی از آن‌ها برآید، نمی‌توانند از آن بازپس بگیرند! هم این طلب‌کنندگان ناتوانند، هم آن مطلوبان. [حج: ۱۷۳]

### ۷. تنوع اسلوب

از تدبیر در تمثیلات قرآنی درمی‌یابیم، هر یک از آن‌ها روشی متناسب با موضوع و هدف خود دارد. گاهی از قالب محاوره و گاه از قالب استفهامی بهره می‌جوید. از دیگر ویژگی‌های مثل‌های قرآنی که به شرح می‌سوسوی نیاز دارد و در این جا مجال پرداختن به آنها نیست، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۸. نظم منطقی (توالی موضوعات) ۹. روش مقایسه‌ای (تقابل و روبرویی صحنه‌ها) ۱۰. ایجاز (حذف برخی مقاطع و صحنه‌ها)